

بررسی تفسیری نشوز زوج و راهکارهای رفع آن با محوریت آیه ۱۲۸ سوره نساء

محمد بویاکار، سید حمید جزائری^۱

چکیده

نشوز زوج از آسیب‌های مهم نهاد خانواده است که چالش‌های زیادی در روابط زوجین و اعضای خانواده ایجاد می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل مفهوم، مصادیق و ارائه راهکارهای رفع نشوز زوج از دیدگاه قرآن کریم با محوریت آیه ۱۲۸ سوره نساء به شیوه تحلیلی-اسنادی انجام شد. نتایج بررسی‌ها در منابع تفسیری و دینی نشان داد که نشوز معانی مختلف و به تبع آن احکام متفاوتی دارد. اگر نشوز مرد به معنی کراهت زوج از همسر خود همراه با اراده طلاق و یا به معنی رغبتی افسارگسیخته به رابطه جنسی باشد، زن می‌تواند برای ایجاد صلح و کسب علاقه شوهرش به ادامه زندگی مشترک، از بخشی از حقوق خود بگذرد. اگر نشوز زوج به معنی سرپیچی و مخالفت زوج از ایفای حقوق و الزاماتی که در مقابل زوجه برعهده دارد باشد، زن حق دارد برای گرفتن حق خود همسرش را موعظه نماید و اگر تأثیر نداشت به حاکم رجوع نماید و حاکم زوج را ملزم به ادای حقوق زن نماید و اگر زوج باز هم امتناع کرد، تعزیر می‌شود. همچنین ممکن است نشوز به معنای رغبت مرد به همبستری و جمع شدن با دیگری باشد که از آن به خیانت تعبیر می‌شود که احکام و قوانین خاص خود را دارد.

واژگان کلیدی: نشوز زوج، رفع نشوز، آیه نشوز، اعراض، صلح بین زوجین،

حقوق زوجه.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۹
۱. دانش پژوه دکتری تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mbmb4229@yahoo.com

۲. دانشیار گروه قرآن و علوم، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: Quran.Olum@chmail.ir

An Interpretative Study on Husband's Disobedience and the Solutions for Removing It Based on Verse 128 of Surah Nesa

Mohammad Boubakar¹, Seyed Hamid Jazaeri²

One of the most important family damages is husband's disobedience that provides many challenges in couples' and family members' relationships. This analytical-documentary research aimed to analyze that concept, its examples, and the solutions for removing it from the view of the Holy Quran, based on verse 128 of Surah Nesa. Reviewing interpretative and religious sources concluded that the disobedience has different meanings and rulings. If husband's disobedience means that he dislikes his wife along with the will to divorce, or it means a strong desire for sex, his wife can ignore some of her rights in order to absorb his husband's interest in keeping their common life. If husband's disobedience means that he disagrees with the rights and requirements for which is responsible, his wife will have the right to advise her husband to respect her rights, and if necessary, she will refer to a ruler so that the ruler obliges her husband to respect her wife's rights, and if the husband still refuses, he will be punished. Moreover, the disobedience may mean husband's desire for sex with others that it is called cheating, which has its own rulings.

Keywords: husband's disobedience, removing disobedience, verse of disobedience, avoidance, peace between couples, wife's rights.

Paper Type: Research

Data Received: 2021 / 10 / 09 Data Revised: 2021 / 02 / 19 Data Accepted: 2022 / 04 / 08

1. Ph.D. Student in Comparative Interpretation, Higher Education Complex of Quran and Hadith, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Email: mbmb4239@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Quran and Sciences, Higher Education Complex of Quran and Hadith, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: quran.olum@chmail.ir

۱. مقدمه

از دیدگاه قرآن کریم رابطه زن و شوهر برپایه تعاون، همکاری، مودت و مهربانی استوار است و امنیت و آرامش در زندگی زناشویی یکی از اهداف اساسی ازدواج می باشد. (ر.ک.، روم: ۲۱) از این رو، اسلام برای استحکام بنیان خانواده، احکام و قوانینی مقرر کرده و زن و شوهر را به رعایت آن سفارش نموده است. عمل نکردن زوجین به وظایف زناشویی و زیر پا گذاشتن مقررات شرعی در زندگی مشترک، بنیان خانواده را متزلزل ساخته و موجب ناسازگاری، اختلاف، عدم رعایت حقوق زناشویی و ایجاد نوعی نافرمانی در زندگی زناشویی می شود که در اصطلاح فقه و قرآن از آن به «نشوز» تعبیر می شود که ممکن است از ناحیه زن، مرد و یا هر دو رخ دهد.

قرآن کریم زوجین را به حسن سلوک، مدارا، صلح، همدلی و سازگاری در زندگی مشترک سفارش کرده است، اما در صورت بروز ناسازگاری و مواجه با مسئله نشوز از سوی زوج (ر.ک.، نساء: ۱۲۸)، زوجه (ر.ک.، نساء: ۳۴) و یا هر دو (ر.ک.، نساء: ۳۵) راهکارهایی برای علاج آن پیشنهاد کرده است. موضوع نشوز از سوی فقها، مفسران و پژوهشگران مورد بحث و بررسی فراوان قرار گرفته است، اما به مسئله نشوز زوج توجه ویژه ای نشده است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی، کشف و ارائه برخی از زوایای ناپیدای نشوز زوج در محورهای مختلف انجام شد. در مورد مفهوم نشوز زوج و مصادیق آن در فقه خانواده، میان فقها اتفاق نظر وجود ندارد و این اختلاف به حقوق نیز سرایت نموده است، به گونه ای که در قوانین خانواده ج.ا. ایران واژه نشوز بیشتر درباره زوجه به کار رفته است. فقها در تبیین دو مفهوم نشوز زن و مرد تفکیک قائل می شوند، حال آنکه باید نشوز را مفهومی جامع دانست که در هر دو مشترک است.

از نظر لغوی واژه نشوز و مشتقات آن بیشتر به معنای ارتفاع آمده است. صاحب العین می نویسد: «نشز: نشز الشیء، یعنی، بلند شد و نشز ینشز زمانی گفته می شود که کسی از جای خود بلند شده و جایی بلندتر برود» (فراهیدی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۲۳۲/۶). در کتاب مقایس اللغه آمده است: «نون شین و زا اصل صحیح است که بر ارتفاع و بلندی دلالت دارد و سپس استعاره گرفته شده است به «نَسَزَتِ المرأةُ؛ بر شوهرش سخت گرفته است» و «نَسَزَ بعلها؛ شوهرش بر او جفا کرده است» (ابن

فارس، ۱۴۱۱ هـ.ق، ۵/۵۳۱). همچنین ابن منظور در بیان معنای نشوز گفته است: «التَّشْرُ والتَّشْرُ: به مکانی بلندتر از سطح زمین گفته می‌شود و تَشَرَّتِ الْمَرْأَةُ بِزَوْجِهَا وَعَلَى زَوْجِهَا تَنْشُرُ وَتَنْشُرُ نَشُورًا، وهی نایشُرُ یعنی، بر شوهرش بالا رفته، نافرمانیش کرده، دشمنیش داشته و از طاعت بیرون رفته و از او جدا شده است» (ابن منظور، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۵/۴۱۷-۴۱۸).

از مجموع نظرات اهل لغت می‌توان برداشت کرد که مفهوم مرکزی واژه نشوز را بلندی و ارتفاع تشکیل می‌دهد که از آن مفهوم حس بزرگی مرد یا زن و یا خودبزرگی آن دو به عاریت گرفته شده است. البته بیشتر درقرآن از جمله در آیه ۱۱ سوره مجادله و آیه ۲۵۹ سوره بقره به معنای جمع شدن به کار رفته است. برخی از مفسران و فقها واژه نشوز را مقوله‌ای مشترک دیده و مراد از آن را «کراهت داشتن هر کدام از دیگری» (ابن نجیم، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۴/۷۶)، «کراهت داشتن هر کدام از زوجین از دیگری» (قرطبی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۵/۱۷۱) و «کراهت داشتن هر کدام از زوجین از دیگری و سرکشی بر او از نظر راضی نبودن از او» (حقی البروسی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲/۲۹۶) دانسته‌اند. همچنین برخی نشوز را نافرمانی زوجین و عدم ایفا وظیفه همسری هریک از زوجین دانسته‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۲/۴۵۳).

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. کاربردهای نشوز در قرآن

درقرآن کریم واژه نشوز با ساختارهای فعل امر، فعل مضارع و اسم پنج بار به کار رفته است. اول) واژه نشوز درقرآن با ساختار فعل امر دو بار به کار رفته است: «وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فانشُرُوا» (مجادله: ۱۱). نشوز در این آیه برای بلند شدن از مجلس به کار رفته است. چه اینکه در تفسیر التبیان گفته شده است: «وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فانشُرُوا؛ اگر به شما گفته شود از مجلس برخیزید، برخیزید» (طوسی، بی تا، ۹/۵۵۱).

دوم) واژه نشوز درقرآن با ساختار فعل مضارع یک بار به کار رفته است: «... وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِرُهَا...» (بقره: ۲۵۹). در این آیه نشوز به معنی برداشتن استخوان‌ها از زمین و گذاشتن آنها در جایگاه خود از بدن است (طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۳/۳۱؛ طبرسی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲/۶۴۱). سوم) واژه نشوز درقرآن با ساختار اسم دوبار به کار رفته است: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ»

(نساء: ۳۴). در این آیه نشوز به معنای سرکشی و نافرمانی زوجه از زوج و بالا بردن خود بر او آمده است (طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۴۰/۵؛ واصل، ۱۴۱۵ هـ.ق) و به زن به این دلیل ناشزه گفته شده که از اطاعت زوج و وظایفی که شرع بر عهده وی گذاشته سر باز زده است (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۱۱۶/۴). در آیه «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا» نشوز به معنای کراهت زوج از زوجه و اراده طلاق او به دلیل صفت ناپسند یا زیادی سن و امثال آمده است (طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱۹۷/۵؛ طوسی، بی تا، ۳۴۶/۳).

۲-۲. مفهوم نشوز زوج

۲-۲-۱. استکبار و سرکشی زوج بر زوجه

باتوجه به مفاد آیه مبارکه «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا...»؛ و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد...» (نساء: ۱۲۸)، نشوز به معنای بزرگ دانستن خود بر او و انتخاب دیگری بر او و ترجیح دادن آن بر این است. (طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱۹۶/۵) معنای یاد شده را صاحب تفسیر التبیان (طوسی، بی تا، ۳۴۶/۳) و صاحب تفسیر مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۸۴/۳) نیز بیان کرده اند.

۲-۲-۲. عدم استیفای حقوق واجب زوجه از سوی زوج و آزار او

زمخشری در تفسیر کشاف گفته است: «نشوز یعنی، سرد شدن زوج با زوجه، پرهیز از پرداخت نفقه زوجه، دریغ کردن از محبت به زوجه، عدم الفت و انس بین زوجین و اذیت و آزار از طریق ناسزاگویی به زوجه». (زمخشری، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۷۱/۱) معنای نشوز با همین مضمون در تفسیر بحرالمحیط (اندلسی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۸۶/۴)، تفسیر روح المعانی (آلوسی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۵۶/۳) و دیگر تفاسیر (ر.ک.، بیضاوی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۰۱/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۲۴۳/۱؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳۷۴/۹) نیز آمده است.

۲-۲-۳. کراهت داشتن و اراده طلاق

مقصود از نشوز در آیه مورد بحث به معنای کراهت داشتن زوج از زوجه و اراده طلاق است. دلیل این امر ممکن است سن زیاد زوجه یا رغبت زوج به زن دیگر و علت های دیگر باشد. (عباشی، بی تا، ۲۷۸/۱؛ عروسی حویزی، بی تا، ۵۵۸/۱؛ طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱۹۷/۵)

۲-۲-۴. تمایل شدید به آمیزش جنسی از طرف زوج

تمایل شدید به آمیزش جنسی که ممکن است به خیانت زوج منجر شود (مصطفوی فرد، ۱۳۹۱)



نیز در مفهوم نشوز زوج به کار رفته است. بنابراین، طبق آیه: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا...» (نساء: ۱۲۸) نشوز در مقابل اعراض قرار گرفته است و از آنجا که اعراض به معنی بی میلی شوهر به همسر خود و در نتیجه، امتناع از جماع و همبستری است، نشوز نقطه مقابل آن یعنی؛ رغبت بسیار شوهر به جماع و همبستری است. بنابراین، آیه فوق خطاب به زنان می‌فرماید: «اگر زنی از رغبت بسیار همسرش به همبستری یا از اعراض و رویگردانی آنان نسبت به خود می‌ترسد، راه حل این مشکل این است که با آنان صلح کنید...». صلح کردن بدین معنی است که زن به مرد اجازه ازدواج مجدد می‌دهد؛ زیرا وقتی مرد به همسر خود بی‌میل است و یا رغبت زیادی به همبستری با او دارد، حال آنکه وی را یارای پاسخ‌گویی به نیازهای او نیست، علاوه بر اینکه محیطی بی‌روح و نشاط در خانواده ایجاد می‌شود، ممکن است مرد را به سمت گناه بکشد (خواه به دلیل بی‌رغبتی و عدم تمایل نسبت به همسر خود و خواه به دلیل عدم تأمین نیازهای جنسی توسط همسر) که اگر زن این شیوه صلح را نپذیرد، زندگی مشترک آنها سرنوشتی جز طلاق - هرچند عاطفی - نخواهد داشت.

۲-۲-۵. تحلیل و جمع‌بندی مفهوم نشوز زوج

از میان اقوال یاد شده در بیان معنای نشوز زوج، هرچند قول اول و دوم متفاوتند، نقطه اشتراک آن مخالفت زوج از التزام به حقوقی است که بر مبنای عقد بر عهده‌اش گذاشته شده است. این معیار در تحقق نشوز زوجه نیز وجود دارد. بنابراین، برعهده زوجین واجبات و حقوقی است که در صورت شانه خالی کردن از استیفای آنها، ناشز می‌شوند. چنین معنایی از نشوز با مفهوم آنچه در آیه مورد استتهاد ذکر شده است، متفاوت است؛ زیرا مراد از نشوز زوج طبق مفاد آیه قرآن کریم، کراهت داشتن زوج از زوجه و اراده طلاق است که روایاتی نیز بر آن دلالت دارد. از جمله روایتی که در کاف‌ی (کلینی، ۱۳۶۵/۶، ۱۴۵) آمده و منابع تفسیری (ر.ک.، عیاشی، بی‌تا، ۲۷۸/۱؛ عروسی حویزی، بی‌تا، ۵۵۸/۱) نیز بر آن صحه گذاشته است. ولی در صورتی که نشوز زوج از طریق حقوقی که شرع برای زوجه منظور کرده است تحقق یابد مثل اینکه زوج از رفتار نیک با زوجه خارج گردیده و از تهیه ملزومات اولیه زندگی مثل فراهم کردن مسکن و لباس سرباز زند، مرتکب ظلم بر زوجه شده است و در مقوله ضرر و تعدی است (شمس‌الدین، ۱۹۹۶). چنین برداشتی ممکن است از آیه ۲۲۸ سوره بقره زیر نیز

بشود: «وَهَلَّ مِثْلُ الَّذِي عَلِمَهُ بِالْمَعْرُوفِ؛ و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده است.»

طبرسی می‌نویسد:

زوجه حقوقی برعهده زوج دارد مانند حقوقی که زوج برعهده زوجه دارد و مراد از تعبیر بِالْمَعْرُوفِ، حسن معاشرت، ترک مضرات، مساوات در تقسیم وقت، نفقه و لباس است. در مقابل آن، زوج نیز نسبت به زوجه دارای حقوقی همچون وجوب اطاعت، همبستر نشدن با غیر شوهر و حيله نکردن برای سقط جنین است. (طبرسی، ۱۴۱۳ه.ق، ۲/۵۷۵)

چنانچه نشوز زوج در یکی از تفاسیر اینگونه مطرح شده است:

گاهی وقت‌ها این سرکشی عصیان و نافرمانی در واجبات زناشویی و خانوادگی از طرف مرد هم سر می‌زند آیا در این صورت این مراحل مرد را هم شامل می‌شود؟ یعنی، ممکن هست این کارها را علیه مرد به‌کار برد یا خیر؟ و در جواب آن گفته شده است که بلی! مردان سرکش هم تنبیه می‌شوند حتی تنبیه بدنی هم می‌شوند، چنانچه زنان نافرمان ناشزه مؤاخذه می‌شوند، و چون این عقوبات برای زنان میسر نیست، حاکم شرعی مکلف است به مردهای متخلف، واجبات و وظائفشان را گوشزد کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ۳/۲۲۷)

همچنین یکی از اندیشمندان معیار نشوز زوج را این‌گونه بیان می‌کند: «معیار در تحقق نشوز زوج همان معیاری است که در نشوز زوجه وجود دارد و در اینجا مخالفت زوج از التزامات و حقوقی می‌باشد که براساس عقد زوجیت برعهده زوج گذاشته شده است.» (شمس‌الدین، ۱۹۹۶) تمام آنچه از مصادیق نشوز ذکر شد به معنای مخالفت و نافرمانی زوج از التزامات و حقوقی است که زوجه بر زوج دارد که از آن، معنای کراهت زوج از زوجه و اراده طلاق را نمی‌توان برداشت کرد.

۲-۳. انواع نشوز

۲-۳-۱. نشوز زوج

محور اصلی پژوهش حاضر نشوز زوج است که طبری درباره آن گفته است: «برتری جویی زوج بر زوجه، تمایل به سمت دیگری و دست برداشتن از زوجه به دلیل دشمنی و یا اظهار کراهت از زوجه به علت برخورداری برخی چیزهایی که در اوست، به سبب بزرگی سن زوجه و اسبابی از این قبیل»



(طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۵/۱۹۷). همچنین گفته شده است: «معنی نشوز برتری جویی زوج بر زوجه به علت کینه نسبت به اوست» (جصاص، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۳/۲۶۹). همچنین صاحب حدائق در بیان معنای این نوع از نشوز می‌نویسد: «نشوز عبارت است از: تعدی زوج بر زوجه و امتناع وی از ادای برخی حقوق واجب مثل نفقه، پوشاک و مانند آن و رساندن آزار به زوجه» (بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۴/۶۱۹). در کتاب تفسیر المنیر این نوع از نشوز را این گونه بیان کرده است: «نشوز زوج، برداشتن تمام یا برخی از حقوق زوجه است مانند اینکه با او همبستر نشود یا نوبت شب به او ندهد» (کرمی حویزی، ۱۴۰۲ هـ.ق، ۲/۳۰۰).

۲-۳-۲. تعریف مختار نشوز زوج

از مجموع تعریف‌هایی که برای این نوع از نشوز ارائه شده است می‌توان تعریف مختار را این گونه بیان کرد که نشوز، مخالفت زوج یا زوجه از مقتضای عقد زوجیت از باید‌ها و واجباتی است که توسط شارع جعل گردیده است، درحالی‌که طرف دیگر به ادای حقوق ناشز یا ناشزه پایبند باشد و حقوق شریک خود را رعایت کند. بنابراین، اختلاف یک‌طرفه است که از طرف مرد یا از طرف زن است و آنجا که اختلاف دو طرفه باشد، کلمه نشوز به کار نمی‌رود و کلمه شقاق استعمال می‌شود. (نجفی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۱/۲۰۰)

۲-۴. شأن نزول آیه ۱۲۸ سوره نساء

در شأن نزول آیه «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا...» (نساء: ۱۲۸) چند روایت وجود دارد. براساس روایت ابن عیینة از زهری و او از ابن‌المسیب:

دختر محمدابن مسلمة، همسر رافع ابن خدیج بوده و او به سبب سن یا چیز دیگری از او کراهت داشت و خواست او را طلاق دهد. او (زن) گفت: «مرا طلاق نده و نگه دار و هر وقت خواستی پیشم بیا (نه به مقدار واجب شرعی)». آنگاه خدای عزوجل این آیه را نازل کرد: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا...» (ابن ادريس، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۱/۲۰۵)

حدیث رافع بن خدیج از نگاه بررسی علمی و جرح و تعدیل علماء اهل سنت صحیح است. زیرا حاکم گفته است: «حدیث به شرط شیخین صحیح است و آن دو این را استخراج نکرده و ذهبی هم موافقت کرده است» (ابن جوزی، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۱/۴۸۲). روایت مذکور، موافق روایاتی است که از اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده است (ر.ک.، قمی، بی تا، ۱/۱۵۳-۱۵۵؛ طوسی، بی تا، ۳/۳۴۶-۳۴۷).

۲-۴-۱. تحلیل و جمع بندی شأن نزول آیه ۱۲۸ سوره نساء

قدر متیقن از روایاتی که در شأن نزول آیه مبارکه ذکر شد ناظر به زنی است که همسر مردی شده که آن مرد به سبب زشتی یا سن و پیری یا اسباب دیگری می خواهد او را طلاق دهد. پس زن با کوتاه آمدن از حقوق خود با او مصالحه می کند تا در زندگی زناشویی باقی بماند.

۲-۵. بررسی و تحلیل ساختار آیه ۱۲۸ سوره نساء

۲-۵-۱. تحلیل «وَإِنِ امْرَأَةٌ»

به نظر برخی از مفسرین (ر.ک.، فخررازی، ۱۴۲۰ه.ق، ۲۳۵/۱۱) آیه فوق شبیه آیه ۶ سوره توبه و آیه ۹ سوره حجرات است: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ» (توبه: ۶) و «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا» (حجرات: ۹). در آیه ۱۲۸ سوره نساء کلمه «امراة» فاعل فعل مقدر مرفوعی که توسط فعل ظاهر بعد از آن بیان می شود (طبرسی، ۱۴۱۳ه.ق، ۱۸۳/۳؛ نحاس، ۱۴۲۱ه.ق، ۲۴۱/۱) تلقی می شود که ترکیبی مناسب است؛ زیرا بعد از «إِنْ» اسم می آید که شدیدترین حرف جزاء از حیث متمکن بودن (شرف الدین، ۱۴۲۰ه.ق، ۱۷۷/۲؛ نحاس، ۱۴۲۱ه.ق، ۲۴۱/۱) است. در این ترکیب «امراة» برای فعل محذوف فاعل قرار داده شده است که فعل مذکور او را تفسیر می کند و در تقدیر به صورت «وَإِنْ خافت امراة خافت» می باشد.

۲-۵-۲. تحلیل معنای خوف

بنابر نظر مفسران، واژه خوف به معنای زیر به کار رفته است:

اول) خوف به معنای علم؛ یعنی برای زوجه معلوم و ثابت شود که زوج از او کراهت دارد. (ابن سلیمان، ۱۴۲۴ه.ق، ۵۹۸/۲؛ طبری، ۱۴۱۲ه.ق، ۱۹۶/۵؛ طوسی، بی تا، ۳۴۶/۳؛ طبرسی، ۱۴۱۳ه.ق، ۱۸۳/۳). برای مثال یکی از مفسرین در این باره چنین گفته است: «معنی آیه این است که زوجه بفهمد زوج از او به خاطر دشمنی یا ناپسندی از او به سبب زشتی یا بزرگ بودن سن یا سبب دیگری کراهت پیدا کرده و به زن دیگری متمایل شده است» (قطب راوندی، ۱۴۰۵ه.ق، ۱۹۰/۲). متذکر می شد خوف به معنای علم آیاتی همچون «فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا» (بقره: ۱۸۲) و «وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا» (نساء: ۱۲۸) تفسیر شده است (ابن منظور، ۱۴۲۴ه.ق، ۱۰۰/۹).

دوم) خوف به معنای توقع است. راغب در بیان معنی آن گفته است: «خوف یعنی، از نشانه های ظنی یا علمی به وقوع ناخوشایندی امیدوار باشد». (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲) و یا جرجانی



چنین نوشته است: «خوف به معنی توقع داشتن به آمدن ناخوشایندی یا از دست دادن محبوبی است» (جرجانی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱۳۷/۱). همچنین گفته اند که خوف به معنی توقع است (ر.ک.، طبرسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۹۱/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۷۱/۱؛ قرطبی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۴۰۳/۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۰۱/۲). برای نمونه یکی از مفسرین این گونه گفته است: «خوف؛ از نشانه‌ها و اسبابی که ظاهر شده به وقوع ناخوشایندی امیدوار باشد. خداوند عزوجل خوف نشوز و اعراض را مطرح کرده نه خود آن دورا؛ چون صلح در وقت ظهور علامات و نشانی‌ها که دنبالش خوف است انجام می‌شود» (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳۴۵/۹).

بنابر قول اول، زن باید علم به نشوز و اعراض داشته باشد تا موضوع مصالحه تحقق یابد. و براساس دیدگاه دوم، برای مصالحه فقط احساس نشوز از ناحیه زن نسبت به مرد کفایت می‌کند و چه بسا بتوان به نوعی جمع میان این دو احتمال دهد. بدین بیان که زوجه براساس قرائن و شواهدی توقع و انتظار پیدایش ناخوشایندی را دارد و بر این مطلب اطمینان (علم عرفی نه علم وجدانی) پیدا می‌نماید و قرائن در حدی است که از حدس و گمان ضعیف، فراتر است.

۲-۵-۳. تحلیل معنای واژه صلح

قرآن کریم واژه «صلح» را در مسئله نشوز زوج به کار برده است: «... فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصَلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ...؛ ... بر زن و شوهر هیچ باکی و گناهی نیست بر آن چیزی که توافق کرده‌اند صلح کنند و صلح بهتر است...» (نساء: ۱۲۸). مفاد آیه مبارکه آن است که اگر زن در زندگی مشترک برای جلب توجه و محبت یا از روی ترحم بر او یا برای جلوگیری از شدت ناراحتی و دشمنی و یا برای جلوگیری از جدایی و طلاق، از برخی از حقوق خود چشم پوشی کند جائز بوده و هیچ اشکالی برای هر دو ندارد (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳۴۶/۹). در ساختار مذکور چند تعبیر به کار رفته است:

تعبیر اول: «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» که یا برای تنبیه کردن به کار برده است؛ چراکه گفته شده است: «بر زوجه واجب نیست، بلکه هیچ کدام از آن دو حق ندارد دیگری را مجبور کند و ملزم کند، بلکه این یک جلوگیری ادبی است و مقصود از آن به خوبی معاشرت نمودن و راضی نمودن هر دوست» و یا «برای از بین بردن این توهم است که آنچه که زوجه به زوج می‌دهد- چه مهریه باشد یا

غیر مهریه- حرام است و گرفتن برایش جائز نیست». (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳۴۶/۹)

تعبیر دوم: «بَيْنَهُمَا» که یا ظرف است و برای تنبیه ذکر شده که اسرار زوجین مناسب است مخفی بماند و مردم از آن مطلع نشوند، بلکه لازم است زوجین اسرار خود را از دیگران مخفی نگه دارند و یا حال است برای «صِلْحاً» یعنی، صلحی که بین آن دو هست. (آلوسی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۵۶/۳)، اما سیاق آیه دلالت می‌کند بر اینکه مراد از صلح، صلحی است که زوجہ برای جلب توجه، محبت و هماهنگی و جلوگیری از وقوع جدایی از تمامی حقوق زوجیت یا برخی از آن چشم پوشی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۰۱/۵). نسبت به گستره صلح، هرآنچه که بین زوج و زوجہ از مال، مسائل زناشویی و... توافق شود داخل در مصداق صلح قرار می‌گیرد (قرطبی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۴۰۶/۵).

نکته قابل توجه در این ساختار آن است که اسلام اهتمام خاصی به بنیان خانواده و مسئله زوجیت دارد. از این رو، در آیه مورد بحث واژه صلح بیش از یک بار تکرار شده است؛ چراکه یکی از مفسرین می‌نویسد: «آیه با ترغیب شدید و با سه تأکید بر این صلح دلالت دارد: با مصدر مؤکد، صلحاً، و با اظهار در مقام اضمار در فقره «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ»، و با خبر دادن از مصدر یا با صفت مشبیه که بر فعل سجیت دلالت می‌کند» (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۴/۲۶۸).

تعبیر سوم: «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» که ارشاد می‌کند به صلح بین زوجین، گذشت از برخی از حقوق و وادار کردن نفس بر امری ناخوشایند، مانند کوتاه آمدن از امر مرغوب غیر از جدایی است.

۲-۵-۴. بررسی و تحلیل جمله «وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسَ الشُّحَّ»

در جمله «وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسَ الشُّحَّ» و نفوس را بخل و حرص فرا گرفته، واژه «الشُّحَّ» به معنای افراط در حرص بر شیئی است چنانچه طبرسی می‌نویسد: «شح افراط در حرص بر مال یا بر اغراض گفته می‌شود و به این موارد بخیل گفته نمی‌شود؛ چون بخل مختص به مال است» (طبرسی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۸۲/۳). از نظر علامه طباطبایی:

شح به معنای بخل است و جمله مورد بحث می‌خواهد این حقیقت را خاطر نشان سازد که غریزه بخل یکی از غرائز نفسانیه‌ای است که خدای تعالی بشر را بر آن غریزه مفتور و مجبول کرده تا با این غریزه منافع و مصالح خود را حفظ نماید و از ضایع شدن آن دریغ کند، پس هر نفسی دارای «شح» و «بخل» هست و بخلش همواره حاضر در نزد اوست. یک زن نسبت به حقوقی که در زوجیت دارد یعنی، در



لباس و خوراک و بستر و عمل زناشویی، بخل می‌ورزد؛ یعنی از تلف شدن و غصب شدن آن جلوگیری می‌کند. یک مرد نیز در صورتی که به زندگی کردن با همسرش بی‌میل باشد از موافقت و محبت و اظهار علاقه به او بخل می‌ورزد. در چنین صورتی حرجی بر آن دو نیست در اینکه بین خود صلح برقرار نمایند؛ یعنی یکی از آن دو از پاره‌ای حقوق خود چشم‌پوشی کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۱۰۱/۵)

بنابراین، آیه مبارکه بیان می‌کند که شح و بخل غریزه‌ای از غرائز نفسانی است که هیچ انسانی از آن مبرا نیست؛ زیرا این مسئله وسیله حفظ منافع اوست که وی را از تلف شدن نگه می‌دارد، در صورتی که این غریزه را رها کرده و آن در محافظت عقل و حکمت قرار ندهد، تبدیل به رذیله و سبب هلاک او خواهد شد و در صورتی که آن را تهذیب کرده و بر مدار حق قرار دهد، وسیله ضبط و کنترل اعتقادات و اراده وی و نیز حفظ نفس از افتادن در منجلاب رزائل می‌گردد. پس افراط در این غریزه مانند تفریط مذموم است. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ ه.ق، ۳۴۷/۹)

۲-۵-۵. بررسی و تحلیل جمله «وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»

در جمله «وَإِنْ تُحْسِنُوا - وَتَتَّقُوا»، «او» عاطفه یا استثنا فیه، «ان» شرطیه، «تحسنوا» فعل شرط و «تتقوا» معطوف علیه است و جواب شرط به دلیل علم به آن (فلاحسان والاتقاء خیر) محذوف است و فاء در «فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» تعلیلیه است. (درویش، ۱۴۱۵ ه.ق، ۳۴۲/۲)

۲-۵-۶. مخاطب آیه ۱۲۸ سوره نساء

اول مخاطب آن زوج است: مفاد آیه این است که با وجود کراهت داشتن از زوجه همراه آنان بماند، به او احسان کرده و از نشوز و اعراض و از هر چیز دیگری که سبب اذیت و دعوا گردد، پرهیزد که خداوند به احسان و تقوایی که به کار می‌برد آگاه است و به زوج ثواب می‌دهد. (زمخشری، ۱۴۰۷ ه.ق، ۵۷۲/۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۱۰۲/۵)

دوم مخاطب آیه زوجه از طریق التفات است: برخی گفته‌اند: «خطاب به زوجه از طریق التفات است که برای رعایت حقوق او با احسان تعبیر کرده است. لفظ تقوی خبر می‌دهد از اینکه نشوز و اعراض از چیزهای است که باید از آن پرهیز نمود و مترتب شدن وعده (خدای) کریم - برای ترغیب در حسن معامله - هم مخفی نیست». (حلاق قاسمی، ۱۴۱۸ ه.ق، ۳۶۲/۳)

سوم مخاطب آیه زوجین است که مفاد آن این است که هر کدام از زوجین نسبت به

همدیگر احسان کرده و از ظلم به یکدیگر بپرهیزند. (فخررازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۱۱/۲۳۷)

چهارم) مخاطب آیه زوجین نیست که در این صورت مفاد آن این است که در زمان آشتی و برقراری صلح بین زوجین، به آنان احسان کرده و از تمایل به یکی از آنها بپرهیز کنند.

(فخررازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۱۱/۲۳۷)

باتوجه به آنچه بیان شد به نظر می‌رسد که مخاطب آیه زوج است؛ چون در اینجا خطر از طرف مرد شروع شده است، بنابراین نصیحت را به طرف مرد متوجه کرده است. چنانچه همسری برای جلب خاطر شوهرش از بعضی از حقوق خود بگذرد شوهر نیز کاری نکند که زن را تحت فشار قرار دهد تا از حقوق واجب خویش صرف نظر نماید. از این رو، به احسان و تقوی و پرهیزکاری دستور داده شده است.

۲-۶. راهکارهای علاج نشوز زوج

۲-۶-۱. وعظ و نصیحت

بر اساس منطق دینی و عقلانی زوجین در برابر چالش‌های پیش‌رو و قبل از هرگونه اقدام سخت باید در مقام اصلاح طرف مقابل برآیند و استفاده از نصیحت و موعظه می‌تواند ابزار رسیدن به این هدف باشد. چنانچه در قرآن و روایات در موارد متعددی از جمله نشوز زوجه بر این راه‌کار تأکید شده و با استفاده از تنقیح مناط قابل تبری به نشوز زوجه نیز می‌باشد. نصیحت و وعظ نقش مؤثری در اصلاح فرد و جامعه دارد. از این رو راهکاری اصلاحی است که مورد عنایت ویژه آیات قرآن قرار گرفته است. خداوند متعال به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ؛ بگو شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم» (سبأ: ۴۶) و از قول حضرت هود علیه السلام چنین نقل می‌کند: «قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ؛ بزرگان قومش که کافر شدند گفتند: ما تو را سفیه و بی‌خرد می‌یابیم و گمان می‌کنیم که تو سخت از دروغگویان باشی» (اعراف: ۶۷-۶۸). و از حضرت صالح علیه السلام حکایت نموده است: «يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ؛ و گفت: ای قوم، من ابلاغ رسالت از خدای خود نمودم و شما را نصیحت کردم» (اعراف: ۷۹).

همچنین از قول حضرت شعیب علیه السلام نقل می‌کند: «لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ؛ ای قوم، من به شما ابلاغ رسالت‌های خدای خود کردم و شما را اندرز و نصیحت نمودم» (اعراف: ۹۳).

یا قرآن کریم به هنگام سخن از افرادی که در حیات اجتماعی دارای نقش مهم و برجسته بودند مثل خواهر حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام چنین یاد می‌کند: «وَحَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ؛ گفت: آیا می‌خواهید شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که سرپرستی او را برای شما به عهده گیرند و خیرخواه او باشند؟» (قصص: ۱۲).

همچنین در حدیثی از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمود: «الدِّينُ نَصِيحَةٌ قِيلَ لِمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأُمَّةِ الدِّينِ وَلِحِمَاةِ الْمُسْلِمِينَ؛ دین نصیحت است. کسی پرسید: برای کی یا رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فرمود: برای خدا و رسولش و ائمه دین و گروه مسلمین» (حرعاملی، ۱۳۹۱، ۳۸۳/۱۶).

از نصوص قرآنی و روایی یاد شده به خوبی استفاده می‌شود که نصیحت، رساترین راهکاری است که پیامبران الهی با آن به سراغ قوم خود می‌رفتند. افزون بر آن، واژه‌ها و مفاهیم دیگری مانند وصیت، بلاغ و انذار در متون دینی آمده است که در برخی کاربردها به معنای نصیحت و موعظه است. بنابراین، با تمسک به عمومات نصوص یاد شده درباره نصیحت و موعظه می‌توان به ضرورت و مشروعیت راهکار نصیحت و موعظه در زندگی زناشویی به ویژه هنگام وقوع نشوز ازسوی زوج پی برد و به نصیحت و ارشاد وی پرداخت. بنابراین، اگر زوجه احساس کند که زوج از او کراهت دارد یا به سوی عدم وفا به حقوق زوجیت تمایل پیدا کرده است، بر او لازم است به خوبی، دوستانه، نرم و از راه نصیحت او را موعظه کند. در تفسیر کاشف چنین آمده است: «اگر زوج ظلم کند و زوجه را از برخی از حقوق واجب محروم کند، زوجه او را نصیحت کند» (مغنیه، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۳۱۹/۲).

برای موعظه و نصیحت، زوجه می‌تواند با رعایت آداب نصیحت و موعظه به زوج تذکر دهد. وقتی رفتار زوج در تعارض با معاشرت از روی معروف قرار گیرد، قرآن کریم امر به موعظه و نصیحت کرده است (ر.ک.، نساء: ۱۹)؛ زیرا از بزرگترین معروف‌ها، اطمینان و امنیت اقتصادی و عاطفی پیدا کردن زوجه از زوج در زندگی زناشویی است. همچنین سنت نبوی نیز از زوج را امر به معاشرت نیک با زوجه نموده است: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ؛ بهترین شما کسی است که با خانواده اش خوب باشد» (حرعاملی، ۱۳۹۱، ۱۷۱/۲۰).

۲-۶-۲. صلح

در صورت عدم منتج بودن وعظ و نصیحت به طور طبیعی، چه بسا پیامد نشوز، شقاق و

جدایی زوجین باشد. ولی قرآن ایده صلح برای پرهیز از این آسیب را مطرح می‌نماید: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ...»؛ و اگر زنی بیم داشت که شوهرش با وی مخالفت و بد سلوکی کند یا از او دوری گزیند، باکی نیست که هر دو تن به گونه‌ای به راه صلح و سازش باز آیند، که صلح به هر حال بهتر است...» (نساء: ۱۲۸). علامه طباطبایی مفاد آیه مذکور را این گونه بیان می‌کند: «سیاق آیه دلالت می‌کند که مراد از صلح، صلحی است که با چشم‌پوشی زن از برخی حقوقش یا تمام حقوق زوجیت انجام می‌یابد تا انس و محبت و هماهنگی را جلب کند و از جدایی جلوگیری نماید و صلح به هر صورت بهتر است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۱۰۱/۵).

۲-۶-۳. گرفتن حقوق مالی

هرچند در آیه ۱۲۸ سوره نساء از حالت نشوز زوج و سرکشی او، از ادای حقوق شرعی زوجیت صحبتی نشده است، ولی در مباحث فقهی اشاره شده است که اگر زوج از پرداخت نفقه زوجه امتناع بورزد یا از پرداخت آن قاصر باشد و با مطالبه نمودن و وعظ و ارشاد، نفقه به دست نیامد، زوجه می‌تواند بدون اذن از مال زوج به مقدار نفقه‌اش بردارد. (عاملی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۴۲۹/۸). در برخی متون فقهی بیان شده است که اگر زوج با وجود اینکه زوجه حقوق خود را مطالبه کرده است از دادن آن امتناع ورزید، زوجه جائز است بدون اذن زوج از مال او بردارد. (حسینی سیستانی، ۱۹۹۶، ۱۰۸/۳) در همین رابطه بیان شده است:

آیات به حالت نشوز زوج و امتناع او از ادای حقوق شرعی زوجه حرفی نزنده است، ولی در مباحث فقهی بحث شده و درباره موقف زوجه آراء مختلف است. آیا فقط به بردن مسئله نزد حاکم شرع اکتفا کند تا او را به اداء حقوق شرعی‌اش مجبور کند یا برایش جائز است با روش‌های خاص خودش رفتار کند و از برخی حقوقی که برای زوج به عهده دارد امتناع کند، و طبق قاعده «مقابل به مثل» عمل کند یا برای هر حالتی حکم خاص خودش را دارد؟ (فضل‌الله، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۲۵۱/۷)

۲-۶-۴. دخالت حاکم شرع

در صورتی که زوج با التزامات و حقوقی که به اقتضای عقد زوجیت برای زوجه به عهده دارد مخالفت کند و امکان نصیحت و ارشاد نیز فراهم نباشد و از طریق صلح مشکل نشوز مرتفع نگردد، زوجه می‌تواند مسئله را نزد حاکم شرع برده و زوج را مجبور به ادای حقوق شرعی خود کند. در تفسیر کشاف درباره مسئله یاد شده ذیل آیه ۱۲۸ نساء چنین آمده است:



زوجه حق دارد قضیه را پیش حاکم شرعی ببرد و برای حاکم شرع باید ثابت و واضح شود. اگر نزد حاکم ثابت شد که زوج تعدی کرده، وی را نهی می‌کند. در صورتی که زوج دوباره برگشت، از راه شتم با زدن یا زندانی کردن و ... او را تعزیر می‌کند و اگر باز هم با داشتن قدرت، از انفاق بر زوجه امتناع ورزید، در این صورت برای حاکم شرع جائز است از مال زوج بردارد و به زوجه انفاق کند، هر چند این امر متوقف فروش چیزی از املاک زوج باشد. اگر زوج چیزی نداشته باشد و از طرفی زوجه تقاضای طلاق کند، در این صورت حاکم حق دارد زوجه را از طرف زوج طلاق دهد.

(مغنیه، ۱۴۲۴ه.ق، ۲/۳۱۹)

سید فضل الله در تفسیر خود مسئله را این گونه طرح کرده است:

زن حق دارد با شوهرش به خوبی و سلامتی زندگی کند یا با احسان و سلامتی جدا شود. از این رو، زوجه حق دارد از زوج طلاق بخواهد. در صورتی که زوج از دادن حقوق شرعی زوجه مثل نفقه، ارضاء جنسی و ... امتناع ورزید، وی حق دارد به حاکم شرع مراجعه کرده و تقاضای طلاق نماید و حاکم با توجه به بر خوداری ولایت در این مسئله می‌تواند زوجه را طلاق دهد. (فضل الله، ۱۴۱۹ه.ق، ۴/۳۱۲)

ایشان در جای دیگر می‌نویسد: «اگر زوج از حدود خدا تعدی کند، زوجه حق دارد قضیه را پیش حاکم شرعی ببرد تا او را به راه راست برگرداند، چون قضیه راه دیگری می‌طلبد، برای از بین بردن تعدی و نجات دادن معتدی علیه بر حاکم فرض است دخالت کند». (فضل الله، ۱۴۱۹ه.ق، ۷/۲۴۵)

طنطاوی مسئله را این گونه مطرح کرده است: «اسلام برای زوجه اجازه داده است که خود را فدای زوج کند یا در صورتی که یقین پیدا کرد که ادامه زندگی مشترک امکان پذیر نیست، در این صورت می‌تواند به قاضی شکایت برده تا او حکم به طلاق زوجه از زوج را دهد». (طنطاوی، ۱۹۹۷، ۱/۵۲۶)

از مجموع آنچه گفته شد روشن می‌شود که اسلام در حق زوجه انصاف به خرج داده و کفیل شده تا حق او را از زوج بستاند و در برابر نشوز زوج سکوت اختیار نکند، بلکه به زوجه گزینه‌های مختلفی برای استیفای حقوق پیشنهاد کرده است که از نصیحت آغاز شده، سپس زوج می‌تواند حقوق مالی خود را از زوج بستاند و در برخی موارد می‌تواند به حاکم شرع مراجعه نماید.

آنچه از آیه استفاده می‌شود نشوزی که موجب صحت صلح یا اسقاط بعض حقوق می‌شود هنگامی است که زوج در برخی از واجباتی که برعهده دارد اختلال به وجود نیآورده

باشد. و مراد از نشوز زوج در این آیه، اخلال در تکلیف شرعی نیست، بلکه به معنی ایجاد خلل در رابطه عاطفی است. از این رو، اگر زوجه مانع نشود یا مانع شود، ولی زوج گوش ندهد، در این صورت طلاق از سوی زوج واقع می‌شود و زوجه مطلقه برخوردار از حقوق خود است. اگر زوجه مانع شود و زوج به منع او جواب دهد در این صورت زوجه خود را فدا کرده و به رابطه زوجیت با کوتاه آمدن از برخی حقوق خود ادامه می‌دهد. (شمس‌الدین، ۱۹۹۶)

۳. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد باتوجه به آیه ۱۲۸ سوره نساء، نشوز زوج و راهکارهای علاج آن و نیز برخی از احکام مربوط به آن بررسی و تحلیل شود. نتایج بررسی‌ها نشان داد که نشوز در لغت به معنای ارتفاع و بلندی است که در قرآن به معنای ارتفاع در استعمال فعلی «نشوزها و انشوزا» و در استعمال اسمی «نشوزهن و نشوزا» به معنای ناسازگاری، سرپیچی و کراهت آمده است. راه حل پیشنهادی آیه و روایات از نشوز مرد و طریق رفع نشوز شوهر، گذشت زن از تمام یا برخی از حقوق خویش در قالب عقد صلح می‌باشد، اما اگر نشوز به معنی مخالفت کردن زوج از التزامات و حقوقی است که برای زوجه‌اش ثابت است، زن حق دارد برای گرفتن حق خود همسرش را موعظه نماید و اگر تأثیر نداشت به حاکم رجوع کند و حاکم او را ملزم به ادای حقوق زن نماید، و اگر شوهر باز هم امتناع کرد، تعزیر شود. علاوه بر این دو معنا نظر دیگری نیز مطرح است و آن تمایل شدید به آمیزش جنسی است که ممکن است به خیانت زوج بینجامد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۲). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. قم: نگارش.
۱. ابن ادریس شافعی، محمد (۱۴۰۰ه.ق). *أحكام القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۲. ابن جوزی، جمال‌الدین ابوالفرج (۱۴۲۲ه.ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. بیروت: دارالکتب العربی.
 ۳. ابن سلیمان، ابوالحسن (۱۴۲۴ه.ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۴. ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۹۸۴). *التحریر والتنویر*. تونس: الدار التونسیة للنشر.
 ۵. ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۱۱ه.ق). *معجم مقاییس اللغة*. محقق: عبد السلام محمد هارون. بی‌جا: دارالجیل.
 ۶. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۲۴ه.ق). *لسان العرب*. محقق: عامر حیدر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۷. ابن نجیم، زین‌الدین بن ابراهیم بن محمد (۱۴۲۲ه.ق). *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۸. اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ه.ق). *البحر المحيط فی التفسیر*. بیروت: دارالفکر.
 ۹. آوسسی، شهاب‌الدین محمود (۱۴۱۵ه.ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.



۱۰. بحرانی، یوسف بن أحمد (۱۴۰۵ ه.ق). *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*. بيروت: دارالاضواء.
۱۱. بیضاوی، ناصرالدین أبوسعید (۱۴۱۸ ه.ق). *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. جرجانی، علی بن محمد شریف (۱۴۰۳ ه.ق). *التعريفات*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۳. جصاص، أبوبکر الجصاص الحنفی (۱۴۰۵ ه.ق). *أحكام القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث.
۱۴. الحجاج النیسابوری، أبو الحسن مسلم بن (بی تا). *صحیح مسلم*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۳۹۱). *وسائل الشیعة فی تحصیل الشریعة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. حسینی سیستانی، سید علی (۱۹۹۶). *منهاج الصالحین*. بیروت: دارالورخ العربی.
۱۷. حقی البروسوی، اسماعیل بن مصطفی (۱۴۰۵ ه.ق). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دارالفکر.
۱۸. حلاق قاسمی، محمد جمال الدین بن محمد (۱۴۱۸ ه.ق). *محاسن التأویل*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۹. درویش، محیی الدین بن أحمد مصطفی (۱۴۱۵ ه.ق). *إعراب القرآن وبیانه*. حمص سوریه: دارالارشاد للشئون الجامعیة.
۲۰. رغب اصفهانی (۱۹۹۲). *مفردات القرآن*. دمشق: دارالعلم للملاییین.
۲۱. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ه.ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتب العربی.
۲۲. شمس الدین، محمد مهدی (۱۹۹۶). *مسائل حرجة فی فقه المرأة*. بیروت: المؤسسة الدولية للدراسات والنشر.
۲۳. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ه.ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۴. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۰۳ ه.ق). *تفسیر حوامع الجامع*. قم: منشورات جامعه طهران وإدارة الحوزة العلمیة بقم.
۲۵. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۱۳ ه.ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: منشورات ناصر خسرو.
۲۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ه.ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.
۲۷. طنطاوی، محمد (۱۹۹۷). *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*. قاهرة: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع.
۲۸. طوسی، محمد بن الحسن (بی تا). *النبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۵ ه.ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۳۰. عروسی حویزی، عبد علی (بی تا). *تفسیر نور التقلین*. بی جا: بی نا.
۳۱. عباشی، محمد بن مسعود (بی تا). *تفسیر العیاشی*. تهران: المكتبة العلمیة الإسلامیة.
۳۲. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ه.ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۱۰ ه.ق). *العین*. قم: منشورات الهجرة.
۳۴. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ه.ق). *تفسیر من وحی القرآن*. بیروت: دار الملک للطباعة و النشر.
۳۵. فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۸ ه.ق). *الأصفي فی تفسیر القرآن*. قم: منشورات مکتب الإعلام الإسلامی.
۳۶. قرطبی، محمد بن أحمد (۱۴۰۶ ه.ق). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: منشورات ناصر خسرو.
۳۷. قطب راوندی (۱۴۰۵ ه.ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. قطب راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۵ ه.ق). *فقه القرآن فی شرح آیات الأحكام*. بیجا: بی نا.
۳۹. قمی، علی بن إبراهیم بن هاشم (بی تا). *تفسیر القمی*. نجف: مطبعة النجف الأشرف.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ ش). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴۱. کرمی حویزی، محمد (۱۴۰۲ ه.ق). *التفسیر لکتاب الله المنیر*. قم: چاپخانه علمیه.
۴۲. مصطفی فرد، حامد (۱۳۹۱). *بازخوانی مفهوم نشوز زن و مرد در قرآن*. نشریه فقه أهل بیت، ۶۹، ۷۶-۱۲۷.
۴۳. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ ه.ق). *تفسیر الکاشف*. بیروت: دارالعلم للملاییین.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹ ش). *الأمتل فی تفسیر کتاب الله المنزل*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب عليه السلام.
۴۵. موسوی سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۰۹ ه.ق). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه أهل البيت عليهم السلام.
۴۶. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۷ ه.ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴۷. نحاس، أحمد بن محمد بن اسماعیل (۱۴۲۱ ه.ق). *إعراب القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴۸. واصل، نصر فرید محمد (۱۴۱۵ ه.ق). *مباحث فقهیة فی مسائل الأحوال الشخصیة المتعلقة بنظام الأسرة والأمور الزوجیة*. بی جا: مطبعة الأخوة الأشقاء.